

### سعيد همتی

«بهره‌برداری سیاسی» از «تفاقات اجتماعی» را به نظر می‌رسد باید یکی از کارکردهای جریان تجدیدنظرطلب دانست، آنگونه که طی روزهای اخیر شاهد بوده‌ایم، هواخواهان این جریان در سطح رسانه‌های خود تلاش کرده‌اند اسیدپاشی اصفهان - به عنوان انتقال تلخ اجتماعی - را فرصتی برای تخریب جریان رقیب و همچنین تخطئه حاکمیت کنند.

این طیف همچنین درگذشت حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنسی را هم مورد بهره‌برداری رسانه‌های قرار داده و در تلاشی هماهنگ و هدفمند، فقدان حضور ایشان در بین اصولگراها را عاملی برای «توسعه اختلافات» و «تعمیق شکاف بین گروه‌های مختلف» -این طیف عنوان کرده و پیش‌بینی کرده‌اند شکست جریان رقیبشان در آورده‌های پیش رو محتمل تر شده است. این جماعت خالی ماندن صندلی ریاست مجلس خبرگان را فرصتی برای جایگزینی فردی خاص به جای آیت‌الله مهدوی‌کنی در این پست ارزیابی و ابراز امیدواری کرده‌اند تا ترکیب این مجلس در انتخابات آتی دستخوش تغییر قرار بگیرد.

به هر روی بر اساس نرم‌افزار انتخاباتی جریان دوم خرداد باید گفت لزوم «تظهِیر رهبران»، «بازگشت به عرصه حاکمیت» آن است تا وابستگیان به این طیف به کمک رسانه‌های پر تعداد خود تلاش کنند تا در بازی‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، خود را هواخواه مردم جامعه نشان داده و به هر بهانه‌ای رقیب انتخاباتی خود را مورد هجمه و تخریب قرار دهند. در حالی که بازخوانی عملکرد این جماعت طی سال‌های گذشته به خوبی نشان می‌دهد که تحقق اهداف حزبی آنها همیشه در مقابل حقوق اجتماعی مردم و مطالبات جامعه در اولویت بوده است.

«جوان» در همین رابطه با حمیدرضا مقدم‌فر، استاد دانشگاه، مدیرعامل سابق فارس و معاون فرهنگی سابق سپاه پاسداران به گفت‌وگو پرداخته است.

□□□

**به عنوان اولین سؤال بفرمایید کدامیک از ابعاد شخصیتی مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی بیشتر باید مورد توجه شخصیت‌ها و جریانات سیاسی قرار بگیرد؟**

بسم الله الرحمن الرحیم، باید عرض کنم در همین مدت کوتاه که آیت‌الله مهدوی‌کنی فوت نموده‌اند توصیف‌های بسیار خوب و قابل توجهی در مورد ایشان صورت گرفته است که همگی می‌تواند به عنوان فصلی نو در زندگی همه ما مورد استفاده قرار گیرد.

باید دانست که ایشان در همه ابعاد، چه شخصی و چه سیاسی و چه در اجتهاد و علم، الگوی جامعه برای درس گرفتن است و تمام زوایای زندگی ایشان الگوی برای زندگی کردن محسوب می‌شود.

اما یکی از ویژگی‌هایی که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بسیار مهم می‌باشد آن است که یکی از خصوصیات وی آن بود که وی به هر آنچه می‌گفت عمل می‌کرد و خود را ملزم می‌دید که عمل به سخنان خود را به خوبی نشان دهد.

یعنی در اخلاق و روش زندگی اخلاق‌مداری بود که وارسته به صفات انسانی والا بود و در یک جمله عالم عامل به دستورات دینی بود. آیت‌الله مهدوی‌کنی مجاهد فعال قبل و بعد از انقلاب بود که در همه ۳۵ سال اخیر هم به خوبی همراهِ و همگام با ولایت‌فقیه بود و طی این سال‌ها بر خلاف برخی از سیاستمداران و سابقون دچار لغزش و اشتباه نشد و همواره نشان داد که در عمل به اسلام و پیروی از ولایت‌فقیه پایدار و استوار است.

عمده دلیل پایداری ایشان در مسیر اسلام و انقلاب راهم باید این دانست که وی بسیار بصیر بود و تمام حرکات خود را با حضرت امام و بعد از آن مقام معظم رهبری هماهنگ و تنظیم می‌کرد و آنجایی که می‌دانست صلاح نیست و برخلاف نظر ولی‌فقیه است با احتیاط قدم برمی‌داشت تا مبادا به اشتباهی دچار شود.

آخرین اقدامی که نشان داد که حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی تابع محض ولی‌فقیه بوده را می‌توان فتنه ۸۸ دانست آنجایی که ایشان تصمیمی به هنگام گرفت در صحنه حضور پیدا کرد و مواضعی صریح و انقلابی در حمایت از نظام و ولایت‌فقیه گرفت بر خلاف بسیاری از افراد که بزوغ آنکه سابقه طولانی و قابل توجهی در انقلاب داشتند دچار لغزش و اشتباه شدند. همانطور که عرض کردم در فتنه سال ۸۸ هم مهم‌ترین دلیلی که باعث شد مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی رفتار و عملکردش برای همیشه الگو شود تنظیم کردن رفتار و گفتار خود با ولی‌فقیه بود و علت این راهم باید آن بدانیم که ایشان ولی‌فقیه را جانشین برحق امام زمان (عج) دانسته و تبعیت محض از ایشان را عملی صدرصد دینی می‌دانستند. این راهم باید عنوان کنیم که در طی این سال‌ها مقام معظم رهبری برای ایشان احترام بسیار زیادی قائل بودند آنگونه که همه شخصیت‌ها و گروه‌ها از این نوع نگاه مطلع بودند.

**خاطرهای از شما نقل شد که اشاره کرده بودید، آیت‌الله مهدوی‌کنی از حضور میرحسین موسوی در انتخابات سال ۸۸ ابراز نگرانی و ناراحتی کرده بودند، در این مورد توضیح بفرمایید.**

همانطور که قبلاً هم گفته بودم بنده قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری خدمت ایشان رسیدم؛ در یکی از دیدارهایم با ایشان قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ بود. در آن دیدار حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی ابراز فرمودند که از حضور موسوی در انتخابات نگران است و می‌گفت که به وی پیام داده‌ام که کاندیدا نشود چراکه اگر کاندیدا شوی برای خودت و نظام ضرر خواهد داشت.



### تلاش جناح‌های معاند برای تغییر ترکیب مجلس خبرگان در گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با حمیدرضا مقدم‌فر

# تجدیدنظر طلبان برای انتخابات خبرگان کمیته استانی تشکیل داده‌اند

یک میز جمع کند.

این در حالی است که هر چند فوت آیت‌الله باعث ناراحتی خانواده اصولگرایان شده اما نظرات زمان اسام و نه در زمان فعلی به ولایت‌فقیه اعتقاد نداشته و ندارد و اگر کاندیدا شود فتنه در کشور رخ خواهد داد. این موضع‌گیری به چند ماه پیش از انتخابات همان سال بر می‌گردد که بازخوانی مواضع اینجینینی قبل از وقوع حوادث تلخ به خوبی نشان

می‌دهد که ایشان تا چه میزان بصیرتی نافذ داشته و وقایع را می‌توانستند پیش‌بینی کنند، این سخنان آیت‌الله مهدوی در حالی بود که پس از گذشت چند ماه طیف میرحسین چه غائله و فتنه‌ای را علیه نظام و اسلام به پا کردند.

همین شناخت خوب آیت‌الله مهدوی از افراد فعال در فتنه و تسلط بر ابعاد مختلف فتنه آن سال باعث شد که ایشان مواضع دقیق، انقلابی و حق‌محور گرفتند و البته در این بین تلاش هم نمودند تا فتنه را خنثی کرده و آسیب‌های ناشی از آن را مرتفع نمایند.

این راهم باید مورد توجه قرار داد که بسیاری از جریانات در داخل تلاش داشتند تا نام و جایگاه ایشان استفاده نمایند اما چون ایشان انسان بصیر و آشنایی بود جریانات منحرف هیچ وقت نتوانستند ذره‌ای از او سوءاستفاده کنند زیرا او گام به گام همراه و ولایت بود.

**ولایت‌طی همین چندروز که خبر در گذشت ایشان رسانه‌ای شد جریانی در داخل تلاش کرده تا فوت آیت‌الله را عاملی برای تشدید اختلافات بین جریان وفادار به انقلاب عنوان کرده و این را مورد تأکید قرار دهد که اصولگرایان در فقدان آیت‌الله هیچگاه نتوانند توانست به یک همگرایی و وحدت برسند، نظر شما در این باره چیست؟**

جریان مقابل جریان اصولگرای که یک جریان شکست خورده و مستاصل است بعد از آنکه در فتنه ۸۸ آبرو و حیثیت‌اش رفت و مردم از آنها روی گردان شدند تا تلاش است تا بتوانند اعتباری برای خود دست و پا کند و مورد توجه دوباره مردم قرار گیرد و برای همین در موارد متعددی تلاش می‌کند تا روی زخم‌ها بنشیند و با عملیاتی خاص دوباره به سپه و نوایی از قدرت برسد.

رهبران این جریان تا کام طی این پنج سال تلاش داشته تا برای احیای خود جریان رقیب را منکوب کرده و از کوچک‌ترین موضوع بیشترین بهره را بگیرند بلکه جامعه کمترین توجهی به آنها داشته باشد بدون آنکه توجه داشته باشند که ظرفیت اجتماعی آنها از بین رفته و مردم بار دیگر به آنها اعتماد نخواهند کرد و این را می‌توان در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۸۴، ۸۸، ۹۲ و همچنین انتخابات مجلس هفتم، هشتم و نهم به خوبی مشاهده کرد.

تئورسیسین‌های این جریان معتقدند باید به جریان متدین‌جامعه آسیب زد آن هم به این شکل که ضعف‌ها و اشتباهات بزرگ‌نمایی شود و به جامعه این پیام منتقل شود که این جریان توان مناسب برای حل مشکلات کشور نداشته و نخواهد توانست مطالبات مردم را محقق نماید، آن هم در شرایطی که دچار تفرقه و چنددستگی هم هست.

در موضوع فوت آیت‌الله مهدوی‌کنسی هم به خوبی می‌توان دید که این جریان با کمک رسانه‌های پر تعداد خود تلاش داشته دقیقاً در همین مسیر حرکت کرده و نبود ایشان را عامل تشدید اختلافات میان طیف ولایتی به گفتمان انقلاب اسلامی القا کرده و اظهار کنند که جریان متدین و اصیل جامعه بدون پناه شده و کسی را نخواهد داشت که همه اصولگرایان را دور

# گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸



توطئه‌های این جریان آگاه بوده و مانند انتخابات گذشته اجازه نخواهند داد که این جریان یک بار دیگر در مجلس شورای اسلامی، دولت و مجلس خبرگان حضور داشته باشند.

جالب است بدانیم که یکی از نظرات ممتاز آیت‌الله مهدوی‌کنسی آن بود که وظیفه مجلس خبرگان تنها انتخاب رهبری جامعه نیست بلکه حفاظت، حمایت از ولی‌فقیه در شرایط و زمان‌های مختلف می‌باشد آنگونه که حمایت از ولی‌فقیه باید سرلوحه کار اعضا این مجلس قلمداد شود.

**طی هفته گذشته شاهد بودیم که ماجرای تلخ اسیدپاشی در اصفهان از سوی یکی از جریانات سیاسی رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت به شکلی که رسانه‌های پر تعداد این جریان با درج مطالبی تلاش کردند تا انجام اینگونه اقدامات ضدانسانی را به جریان متدین جامعه نسبت داده و از این مسیر به تخریب وجهه انقلابی‌ها روی بیاورند، به نظر شما اینگونه اقدامات تا چه حد موفقیت‌آمیز خواهد بود؟**

سناریوسازی علیه متدینین جامعه موضوع تازدای نیست بلکه سابقه آن را باید از همان شروع انقلاب و حتی قبل از آن جست‌وجو کرد آنجایی که ده‌ها و صدها توطئه علیه انقلابی‌ها صورت گرفت تا جامعه به این باور برسد که خشونت و افراط جزئی از رفتار قشر متدین و انقلابی جامعه به حساب می‌آید.

اما آنچه مهم است در این میان آن است تا قشر مؤمن جامعه ضمن حفظ هوشیاری و آگاهی خود اقداماتی بهنگام را جهت تنویر افکار عمومی و خنثی‌سازی اقدامات جریان مقابل در دستور کار قرار دهد که در این میان نباید از نقش مؤثر و بی‌بدیل رسانه‌های به راحتی گذشت چراکه توان ماثور و قدرت اثرگذاری رسانه‌ها جهت روشنگری افکار عمومی و پی بردن به واقعیت‌های حوادث به هیچ ابزار دیگری قابل قیاس نیست.

در موضوع اسیدپاشی اصفهان هم باید رسانه‌ها

و از جمله رسانه ملی اجازه ندهد تا قشر متدین جامعه به راحتی مورد تخریب و هجمه قرار گیرد. هر چند رسانه‌های ضدانقلاب و برخی رسانه‌های داخلی تلاش کردند تا حاشیه‌پیکاه درباره مسئله «اسیدپاشی» در اصفهان، از این ماجرا به عنوان ابزاری علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند اما این اقدامات سبب نشد تا برخی از رسانه‌ها و مسئولان تلاش کنند واقیعت را به افکار عمومی انتقال داده و از پیاده‌سازی حزب‌اللهی بی‌خبرند.

قطعا اصولگرایان از یاد نخواهند برد که وجود آیت‌الله مهدوی‌کنی برای انقلاب بسیار پربرکت بوده که از جمله این صحنه‌ها در جامعه اصولگرای بود که نقش برجسته و تأثیر گذار ایشان برای وحدت اصولگرایان و تقویت گفتمان اصولگرایی را نمی‌توان هیچگاه فراموش کرده، مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی در تدوین منشور ۱۲ بندی اصولگرایی نقش مهمی داشتند و این منشور را پیشانی حرکت جامعه اصولگرای و حزب‌اللهی می‌خواندند.

**این جریان همچنین تلاش کرده طی چند روز اخیر، فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی را زمینه تغییر ترکیب مجلس خبرگان عنوان کرده و از لزوم جایگزین فردی خاص به ریاست این مجلس عنوان کنند؟**

البته طی یک سال گذشته و قبل از بیماری آیت‌الله مهدوی‌کنی این جریان به اشکال مختلف تلاش کرده تا ریاست مجلس خبرگان را تغییر داده و آیت‌الله مهدوی‌کنی را از جایگاه ریاست دور کند. آنها برای این کار سازمانی را تشکیل داده و کمیته اجرایی برای آن تشکیل داده و مسئولی را هم برای آن تعیین کردند تا بتوانند رئیس مجلس خبرگان را تغییر داده و شخص دیگری را به جای ایشان جایگزین نمایند.

این راهم باید عنوان کرد که آنها طبق فعالیت‌های امروز هم با فوت مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی این جریان فرصتی پیدا کرد تا تلاش کند شخصی خاص را به جای این بزرگوار بر کرسی ریاست نشانده و پس از آن زمینه تغییر ترکیب و آرایش این مجلس را فراهم کند.

البته احاد مردم هوشیاری و آگاهی لازم را در این زمینه داشته و اجازه نخواهد داد تا وابستگیان به جریانی که نگاه خوبی به انقلاب نداشته و افکاری خاص در سر می‌پروراند در این مجلس نفوذ کرده و اهداف خود را محقق نمایند.

این راهم باید عنوان کرد که آنها طبق فعالیت‌های همین جریان سازمانی که در بسیاری از مراکز استان‌ها راه انداخته به این قائل هستند که ۳۰ نفر از اعضای فعلی مجلس خبرگان را می‌توانند تغییر دهند و افرادی با تفکرات خاص و نزدیک به خود را در انتخابات آتی به این مجلس راهی کنند. بر همین اساس این جریان به شدت در برخی استان‌ها فعال شده و تصمیم دارد تا بخشی از اهداف خود را از این مسیر محقق نماید، به زعم آنها نفوذ این ۳۰ نفر در مجلس خبرگان زمینه تحقق بسیاری از اهداف را برآورده کرده و می‌تواند بخش مهمی از اهداف بر زمین مانده را تحقق بخشد.

**چرا مجلس خبرگان برای تجدیدنظر طلبان بسیار حائز اهمیت است؟**

اجملا باید گفت که بسیاری از اهداف جریان تجدیدنظرطلب با نفوذ در خبرگان محقق می‌شود که قطعا این اتفاق نخواهد افتاد، چراکه هم دستگاه‌های مربوطه راه‌های نفوذ جریان مخالف گفتمان انقلاب اسلامی را بسته‌نگه خواهند داشت هم اینکه مردم از

# جوان

باید تأکید کرد که امروز بخش مهمی از شخصیت‌های طیف به اصطلاح اصلاح‌طلب به سرنوشت نهضت آزادی و جبهه ملی دچار شده‌اند.

این بخش قابل توجه از جریان دوم خرداد که در رأس آنها افرادی مانند محمد خاتمی قرار دارد، پایگاه اجتماعی مردمی خود در داخل کشور را از دست داده و امثال بهائیان، ضدانقلاب، منافقین و مستکبران از مواضع و اقدامات آنان حمایت می‌کنند؛ یعنی دقیقاً همان سرنوشته که نهضت آزادی نیز پس از ایستادگی در برابر انقلاب و مردم به آن دچار شد و حامیانی بالاتر از منافقین و اپوزیسیون خارج‌نشین پیدا نکرد.

**چه نشانه‌هایی می‌توان یاد کرد که دال بر جایه‌جایی در پایگاه اجتماعی دوم خرداد است؟**

فقط یکی از نشانه‌های جابه‌جایی و شیفت در پایگاه اجتماعی به اصطلاح اصلاح‌طلبان، همسویی، همزیایی و به ویژه هم‌افزایی رسانه‌های تابلودار صهیونیستی و ضدانقلاب با این طیف است.

امروز متأسفانه شاهد مواضع یکسان، هموایی همصدایی رسانه‌های دوم خردادی و وابسته به شخصیت‌های این جریان با رسانه‌هایی نظیر بی‌بی‌سی، صدای امریکا و من و تو هستیم که قریب به اتفاق آنها عقبه بهائی و صهیونیستی دارند؛ امروز وضعیت به گونه‌ای است که می‌شود گفت مواضع سیاسی آنان در یک سو قرار گرفته و در بسیاری از موارد سوزها و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند.

البته این راهم باید مورد توجه قرار داد که بارها از سوی دلسوزان و بزرگان نظام از شخصیت‌های مطرح طیف به اصطلاح اصلاح‌طلب خواسته شد که حساب خود را از منافقین، مستکبرین و ضد انقلاب جدا کرده و به آغوش ملت انقلابی ایران بازگردند اما با وجود این و به دلیل همان اصالت داشتن قدرت برای جریان دوم خرداد هیچ‌گاه چنین اعلام برائتی از سوی طیف مذکور صورت نگرفت.

**در حالی شاهد مواضع پر تعداد و متنوع محمد خاتمی در ماه‌های اخیر هستیم که وی چند مدت پیش رسماً اعلام کرده بود که دیگر به عرصه سیاست باز نخواهد گشت، نظر شما در این باره چیست؟**

خاتمی نه اینکه نخواهد، بلکه با علم بر از دست رفتن پایگاه اجتماعی مردمی خود و همکیشانش، می‌داند که هیچ‌گاه بازگشت به



## درد

سنار یوسازی علیه متدینین جامعه موضوع تازدهای نیست بلکه سابقه آن را باید از همان شروع انقلاب و حتی قبل از آن جست‌وجو کرد آنجایی که ده‌ها و صدها توطئه علیه انقلابی‌ها صورت گرفت تا جامعه به این باور برسد که خشونت و افراط جزئی از رفتار قشر متدین و انقلابی جامعه به حساب می‌آید.

سناریوی این جریان جلوگیری کنند و این باید هر چه زودتر ترمیم یابد.

**شما به تاوانی جریان دوم خرداد پس از فتنه سال ۸۸ اشاره داشتید و تأکید کردید که این طیف و جاهت اجتماعی خود را از دست داده است، با توجه به این مقدمه و با در نظر گرفتن اینکه رهبران این جریان درصدد ترمیم بدنه خود و بازگشت به حاکمیت هستند، ارز یابی شما از وضعیت این طیف چیست؟**

هر چند می‌توان گفت که برخی از افراد حاضر

در طیف به اصطلاح اصلاح‌طلب در سال ۸۸ در فتنه علیه رای مردم و نظام جمهوری اسلامی شسرت نداشته و از این جهت وضعیتشان با وضعیت فتنه‌گران تفاوت دارد، اما با توجه به حضور بسیاری از شخصیت‌های کلیدی طیف

موسوم به اصلاح‌طلب در این فتنه و تلاش برای «تغلب» علیه رای مردم و مشخص شدن چهره واقعی ضددموکراسی و ضدانقلابی آنان، شاهد از دست رفتن پایگاه اجتماعی جریان دوم خرداد

و به عبارتی دیگر جابجایی تدریجی در پایگاه اجتماعی آنان هستیم.

متأسفانه آقایانی نظیر خاتمی به گونه‌ای اعلام موضع کرده و مصاحبه یا سخنرانی می‌کنند که گویی یسا مردم کشورمان را به هیچ‌وجه نمی‌شناسند یا اینکه با عرض پوزش از مردم بزرگوار کشورمان، تصور نادرستی از میزان فهم و درک آنان دارند، حال آنکه مردم ایران حقیقتا نشان داده‌اند که جزو هوشمندترین، آگاه‌ترین و کیس‌ترین ملت‌ها در طول تاریخ بوده و افرادی مانند آقای خاتمی و برخی رسانه‌های زنجیره‌ای دوم خردادی که این روزها تلاش دارند با انتشار مکرر عکس‌ها و مطالب خاتمی حافظه تاریخی مردم کشورمان را پاک کنند، هیچ‌گاه در هدف خود موفق نخواهند شد.